

# وقف کتاب

## برای خواندن و به متولی وقف برگرداندن

### محمود روح الامینی

وقف، به اصطلاح فقیهان، «عبارت است از حبس عین ملک و بخشیدن منفعت آن»، و مقصود از حبس «عین ملک»، آن است که ملک، از تصرف واقف بیرون می آید و قابل خرید و فروش و انتقال به غیر نمی باشد، و بخشیدن منفعت، باید به شخص یا اشخاص یا مصالح وجوه کلی و عمومی باشد. (۱)

موضوع سندی که در پی می آید، عبارت است از وقف کتابهای واقف که وصی و متولی، آنها را به «طلاب علوم و علما» به امانت بدهد و آنان، پس از مطالعه و استفاده، کتاب را به متولی برگردانند.

این وقفنامه، بنابر وصیت حاجی محمدعلی فرزند حاج محمدخان کوزه کنانی، در سال ۱۲۰۱ ه.ق تنظیم شده و ملامهدی بن اباذر نراقی به عنوان متولی، عهده دار امانت دادن و تعیین زمان برگرداندن کتاب و مراقبت از آن است. شرطهای مذکور در وقفنامه:

۱. این کتابهای «علمی و دینی»، در خانه متولی نگهداری می شود، و علاقه مندان (قاطبه علما و طلاب علوم)، می توانند کتابی را برای مطالعه بگیرند، به شرطی که در حفظ و نگهداری آن بکوشند.

۲. به غیر منتفع شدن، تصرفی دیگر نکند. (۲)

۳- کتاب را، بیش از شش ماه نگاه ندارد، و چنانچه خواست بیشتر نگهدارد، با نظر و موافقت متولی باشد.

۴. تولیت این خدمت، به «اصلح و اشخص اولاد ذکور واقف و بعد از او، به همین ترتیب به اولاد اولاد... تا روز قیامت (سپرده می شود)».

۵. و چنانچه دختر واقف - که زوجه پسر عمومی خود است - فرزند ذکور داشته باشد، در تولیت مقدم است.

۶. و اگر روزی فرزند ذکور در فرزندزادگان واقف نباشد، به «اعلم علمای بلد»، واگذار شود.

### اشاره یکم:

بیگمان، خوانندگان کتابها (قاطبه علما و طلاب علوم)، با دقت مراقب کتابهای امانتی هستند و متولی (اصلح و اشخص اولاد ذکور)، وظیفه دارد که «الی یوم القیامه»، مورد وقف را، مراقبت نماید.

### اشاره دوم:

در وقفنامه ها، معمولاً ذکر می شد: «متولیان و اداره های اوقاف، موظف هستند چنان عمل کنند، که عمران و آبادی و ازدیاد درآمد موقوفه، مقدم بر هر چیزی باشد که اصطلاحاً به آن، منظور داشتن غبطه وقف می گویند.» در مورد این موقوفه، عمران و آبادی و ازدیاد درآمد وقف، مطرح نمی باشد.

### اشاره سوم:

در این موقوفه، از کسانی که کتاب به امانت می گرفته اند، اطلاعی در دست نیست؛ ولی در یادداشتی دیگر - که ۴۵ سال بعد نوشته شده - نام کسانی که کتاب به امانت برده اند و نیز، نام تعدادی از کتابها، به شرح زیر ذکر شده است:

کتابی که در نزد مردم است، به تاریخ شهر محرم الحرام ۱۲۴۲

میرزا علی محمدخان؛ خزاین  
میرزا آقا؛ شرح تهذیب  
آقا سید مهدی؛ زبده  
آقا سید مهدی؛ مختصر نافع  
آقا میرزا عبدالباقی؛ زبده طب

همچنین، بیست و هفت نام امانت گیرنده و کتاب - که دور نام آنها، خط کشیده شده است، و شاید کسانی باشند که کتاب را خوانده و برگردانده اند - در یادداشت مزبور آمده است.

## بازنویسی و قفنامه

بسم الله تعالی (۳)

حسب الوصیة مرحوم مغفور حاجی محمدعلی، ابن مرحوم مغفور حاجی محمدخان کوزه کنانی، وقف نمود و کمترین عبادالله، مهدی ابن ابی ذر نراقی، این کتاب را با سایر کتب مملوکه او، بر قاطبه علما و طلباب علوم دینیّه از فرقه حقه اثنی عشریه، مشروط بر آنکه احدی، آن را نفروشد و رهن ننماید و به غیر منتفع شدن، تصرفی دیگر نکند و در ضبط و حفظ آن، نهایت سعی به جا آورد و زیاده از شش ماه نگاه ندارد و چنانچه خواهد زیادتر نگاه دارد، به نظر متولی برساند و اذن جدید از او حاصل کند و در بعضی اوقات، مرحوم موصی را، به دعا و استغفار یاد کند و چنانچه وصی، عاصی باعث رانیز به دعائی یاد کند، حق تعالی، اضعاف مضاعف اجر، به او کرامت فرماید؛ و تولیت آن را، مفوض نمود به اصلح و اشخص اولاد ذکور مرحوم حاجی محمدعلی خان و بعد، به اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور و هكذا بطناً بعد بطن، و طبقه بعد طبقه؛ و چنانچه از صیبه مرحوم حاجی محمدعلی - که زوجه ابن عم خود است - اولادی باشد ذکور و اولاد اولاد، و همچنین، الی غیرالتّهایه که ذکور باشند و اگرچه از اولاد اناث منسوب به حاجی محمدعلی باشد، او بر همه مقدم است؛ و چنانچه العیاذ بالله، در اولاد اولاد ذکور حاجی محمدخان، انقراضی به هم رسد، تولیت مفوض است به اصلح و اشخص اولاد ذکور اولاد اناث حاجی محمدخان بطناً بعد بطن الی یوم القیامه؛ و با انقراض کل العیاذ بالله، تولیت، مفوض است به اعلم علمای بلدی که در آنجا اتفاق افتد و کسی که تعدی کند از شروط مذکور، باید در موقف حساب، در نزد حضرت مالک الملوک، مستعد جواب باشد.

تحریر آفی شهر ذی الحجّه الحرام سنه ۱۲۰۱

مهر المهدی ...

### پی نوشتها :

۱. القفنامه دهخدا.
۲. انتفاع دیگر، مشخص نشده؛ البته سعی در ضبط و حفظ آن، در قفنامه آمده است.
۳. اصل این سند، نسخه ملکی آقای افشین عاطقی، از توابع کاشان می باشد.  
حاشیه بالای سند: محجه البیضاء.  
حاشیه سمت راست سند: هو الحی. لقد وقع التصرف منی فیه تویله، مهر، محمدعلی ابن محمدباقر.  
حاشیه پائین سند: عاریه الاخ... محمدبن حاجی زکی الاحقر الاقل، عبدالله بن السید محمدرضا شبر.



